



۱۰

هادی مرزبان در گفت‌وگو با ما از اوضاع نابسامان تئاتر می‌گوید

تئاتر را به خانه‌ها بیاوریم

جزئیات برگزاری و بلیت‌فروشی جشنواره فیلم فجر اعلام شد

چطور در جشنواره، فیلم ببینیم؟



۱۱

۹

فرهنگ

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۹ :: شماره ۵۸۶۶



آشفتگی و دیگر هیچ

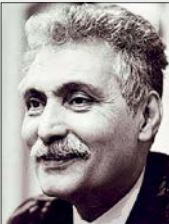
۱۲



وکیلی که پرونده‌های طلاق را قبول نمی‌کرد

دیروز: ابهمن

زادروز حمید مصدق بود



نام همسر حمید مصدق، لاله خشکنابی بود. خشکنابی در تهران به دنیا آمده بود اما اصالتاً آذری بود. جالب است بدانید همسر مصدق، برادرزاده یکی از بهترین شاعران سده اخیر شعر فارسی، یعنی محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار نیز بوده است تا جایی که در تاریخ آمده عنوان لاله را نیز شهریار برای همسر مصدق برگزیده بود. آخرین خاطره خانم خشکنابی از استادشهریار، شبی است که شاعران به بهانه ترخیص استاد شهریار از بیمارستان در خانه حمید مصدق جمع شده و شاهد شعرخوانی اخوان ثالث و سیمین بهبهانی بوده‌است.

داستان آشنایی حمید مصدق و همسرش را خود خشکنابی چنین نقل می‌کند: «سال ۵۱ دانشجو بودم. تابستان که به اردوی دانشجویان در بابلسر رفته بودم. حمید هم که در دانشگاه کرمان تدریس می‌کرد دانشجویانش را به اردو آورده بود. در آنجا با هم آشنا شدیم.»

خشکنابی اهل نقاشی بوده و در این اردو با دانشجویان دیگری که نقاشی می‌کردند آشنا شده و نقاشی می‌کشیده‌اند. یکی از این نقاشان جوان، شاگرد حمید مصدق بوده. جوان، شاگرد برای سرکشی به وضع آن دانشجویش آمده بوده که با دانشجویی دیگر آشنا می‌شود. او در همان اردو از خشکنابی خواستگاری می‌کند. خشکنابی هم که قبلاً کتابی از او خوانده بوده، آقای شاعر را می‌شناخته. «اگر او حمید مصدق نبود و من با شعرهایش زندگی نکرده بودم، اصلاً آشنا شدن و صحبت ما باهم موضوعی نداشت.» و در نهایت ازدواج می‌کنند که حاصل این ازدواج دو فرزند به نام‌های غزل و ترانه بود.

به گفته خانم خشکنابی، حمید مصدق هرگز در کار خرید خانه کمک نمی‌کرده «چون درواقع وقت ندارد» و همیشه درگیر کار وکالتش بوده «تازه اصلاً هیچ کاری را خوب بلد نبود» ولی درعین حال آقای شاعر، آدم صوری بوده و هیچ‌وقت از مرضی شکایت نمی‌کرده. حمید مصدق، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلا نیز بوده اما به گفته همسرش «هرگز پرونده‌های مربوط به طلاق و مسائل خانوادگی را قبول نمی‌کرد.»

خانم خشکنابی که نقاش بود، یک پرتزه از حمید مصدق کشیده بوده که در چاپ اول کتاب «از جدایی‌ها» روی جلد کتاب کار شده، ولی این اثر در چاپخانه گم می‌شود. او در انتخاب شعرهای کتاب «تا راهی» نیز نقش داشته و آن‌طور که خودش تعریف کرده، یکی یکی شعرها را با بحث کردن سر شغف و قوت آن برای چاپ انتخاب کرده‌اند.



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

۱۰۰ امسال سال مهمی است. از مهم‌ترین دلایل مهم بودن سال ۱۹۹۹ آن است که قرنی که در آن هستیم، با آن به پایان خواهد رسید. اما انسان‌هایی هستند که با تمام شدن یک قرن از عمرشان نیز تمام نمی‌شوند و احمد سمیعی گیلانی از اینهاست. سمیعی گیلانی تتمه نسلی است که ما جوان‌ترهای ادبیات از آنها به عنوان «غول‌های ادبیات معاصر» یاد می‌کنیم. نسلی که خواندن و نوشتن برایشان از غذا خوردن و خوابیدن مهم‌تر بود. نسلی که با کتاب به دنیا آمد، با کتاب زندگی کرد و با کتاب هم از دنیا می‌رود. از بین آن شخصیت‌های تاثیرگذار نسلی که در موردش حرف می‌زنیم و از میان هم‌قطاران و همکاران احمد سمیعی گیلانی، نام‌های بزرگی رفته‌اند: نام‌هایی چون ابوالحسن نجفی و رضا سیدحسینی. حالا ویراستار و مترجم بزرگ گیلانی باقی مانده است با کوهی از تجربه و شوقی وصف‌ناپذیر به کار و کار. سمیعی گیلانی امروز صدساله می‌شود و بسیاری از نزدیکان اومی‌گویند که امکان میزان فعالیت استاد پس از این همه سال، از بسیاری از جوان‌های هم‌روزگار و همسن و سال ما به مراتب بیشتر است. انسانی بزرگی که در تمام این سال‌ها دغدغه‌ای جز زبان فارسی و فرهنگ ایران زمین نداشته و همواره همگان او را به تعهد، تلاش، ممارست و دانش فراوانده‌اش شناخته‌اند. در این گزارش ضمن پاسداشت جایگاه استاد سمیعی گیلانی، نگاهی به عمر پیرار صدساله او داشته‌ایم و تلاشی کردیم ابعاد این شخصیت این انسان فرزانه و استاد فرهیخته را واکاوی کنیم.

سمیعی گیلانی کیست؟

احمد سمیعی گیلانی، مترجم و ویراستار بزرگ ایرانی در ۱۱ بهمن ۱۲۹۹ در یک خانواده بااصالت گیلانی در سنگلج تهران متولد شد. دوران دبستان و دبیرستان را با رتبه ممتاز در رشت پشت سر گذاشت. ابتدا در آزمون دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شد اما دیری نپایید که علاقه به ادبیات او را به این سو کشانید و دانشکده ادبیات را برگزید. در این رشته نیز با رتبه عالی فارغ‌التحصیل شد و به دنبال آن، وارد دوره دکترا شد. این دوره از زندگی سمیعی همزمان شد با محاصره ایران به دست متفقین، بنابراین او مجبور شد برای گذراندن خدمت نظامی وارد دانشکده افسری شود.

۱۰ سال از این اتفاق گذشت و سمیعی بار دیگر سراغ ادبیات فارسی رفت تا دکتراش را در این رشته اخذ کند. از آنجا که به دلیل مبارزات سیاسی و زندان‌هایی که در ۱۰ سال یاد شده متحمل شده بود، ساواک حکم خدمت او در راه‌آهن را به آماده خدمت تقلیل داد، سمیعی به مؤسسه انتشارات فرانکلین قدم گذاشت و با عنوان ویراستار مشغول به کار شد. خود او اما می‌گوید که ویراستار خوبی نیست: «من همیشه از نقد استقبال می‌کنم؛ یعنی کسی عیب‌های من را بگوید. اتفاقاً من اصلاً ویراستار خوبی نیستم چون زیادی در کار دیگران تصرف

کتاب‌های سمیعی و درباره سمیعی

ویراستاران غالباً از مظلوم‌ترین فعالان حوزه کتاب و ادبیاتند. از این منظر که به جز کسانی که مخاطب جدی رمان و کتب ادبی هستند، احتمال کمی وجود دارد که افراد دیگری در جامعه به نام آنها و زحمتی که برای آماده‌سازی یک کتاب متحمل می‌شوند، توجه کنند. البته دیده‌شده که در مواردی ناشران نام ویراستاران مشهور را برای فروش بیشتر روی جلد کتاب نیز ذکر می‌کنند که سمیعی گیلانی چندما پیش در مصاحبه‌ای به این مساله انتقاد کرده بود: «گاهی می‌بینیم که روی جلد برخی از کتاب‌های ترجمه‌ای و تألیفی، زیر نام نویسنده و مترجم، نام دیگری هم به چشم می‌خورد؛ نام ویراستار، اتفاقی که چندان

می‌کنم و این درست نیست اما نمی‌توانم.»

احمد سمیعی گیلانی دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان‌شناسی است و بنابراین عجیب نیست اگر با وجود تسلط به زبان‌های فرانسه و انگلیسی، همانند یار دیرینه خود؛ ابوالحسن نجفی که او نیز همین مدرک در همین رشته را اخذ کرده، بیشتر به سمت ویرایش و نگارش فارسی گرایش داشته باشد. رضا سیدحسینی درباره سمیعی معتقد بود که «ویرایش سمیعی به مقاله جان بخشیده». به او لقب «پدرویرایش ایران» را داده‌اند.

رایج نبوده و هنوز هم نیست. در نگاه اول شاید نکته مثبتی به نظر برسد و مثلاً به اهمیت پیدا کردن جایگاه ویراستاران و ویرایش در نگاه ناشران یا مخاطبان تعبیر شود اما با کمی توجه بیشتر، به نظر می‌رسد ناشران دنبال نام‌ها هستند که نامشان باعث بیشتر دیده شدن کتاب می‌شود (نام‌های مشهوری که زیر عنوان مترجمان ناشناخته ذکر می‌شود به عنوان ویراستار). در موارد دیگر رویکرد ناشران چندان روشن نیست چرا که در کتاب‌های دیگرشان این ذکر نام ویراستار دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد که بیشتر ناظر بر ترجمه‌های ضعیف باشد تا اهمیت ویراستار.»

اما باید دانست سمیعی مانند تعدادی از هم‌قطارانش که امروز نام‌های بزرگی در زبان فارسی محسوب می‌شوند، توانست از مهجوری عالم ویراستاری بیرون بیاید. امروز کمتر کسی در فضای ادبیات نفس می‌کشد که نام سمیعی گیلانی به گوشش نخورده باشد. او البته بخشی از شهرتش را مرهون و مدیون کتاب‌هایی است که ترجمه کرده‌است:

سلاامبو اثر گوستاو فلوبر، دلدار و دلپاخته اثر ژرژ ساند، خیال‌پروری‌ها اثر ژان ژاک روسو، دانا گنج‌بخش (زندگی‌نامه و تعلیم شیخ ابوالحسن علی بن عثمان هجویری) اثر شیخ عبدالرشید، جامسگی اثر جان لاینز، هزیمت یا شکست رسوای آمریکا اثر ویلیام لونیس و مایکل لدین، ساخت‌های نحوی اثر نوام چامسکی و دیوید اثر پیتر فرانس بخشی از آثاری است که سمیعی گیلانی آنها را به فارسی ترجمه کرده‌است. افزون بر اینها کتاب‌های دیگری نیز بوده‌اند که در این سال‌ها به قلم خود سمیعی منتشر شده‌اند نظیر کتاب آیین نگارش که سمیعی در ۱۳۶۶ منتشر کرد. یاکتابی دیگر در همین زمینه با نام «نگارش و ویرایش» که ۱۲ سال بعد از این کتاب در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.

از اینها گذشته، مقالاتی پراکنده از سمیعی گیلانی در حیطه زبان‌شناسی و ویرایش موجود است که بسیار حائز اهمیت است و مطالعه آنها در کنار کتب دیگری می‌تواند نقشه‌راهی برای ویراستاران جوان علاقه‌مند باشد. در این زمینه باید متون زحمات یکی از شاگردان سمیعی گیلانی به نام

سایه اقتصادی‌نیا باشیم که با همتی مضاعف توانست این مقالات را در قالب کتبی گردآوری کند. اقتصادی‌نیا را بیش و پیش از هر چیز با کتاب مهم و خوشخوانش: «له و علیه ویرایش» می‌شناسیم. به همت و تلاش اقتصادی‌نیا، مجموعه دوجلدی «گلگشت‌های ادبی و زبانی»، شامل ۱۶۰ عنوان مقاله احمد سمیعی هم‌اکنون در دسترس ماست. مقالاتی درباره ادبیات و زبان، نقد و بررسی متون، زیبایی‌شناسی و فلسفه، ویرایش، ادبیات معاصر... که بسیار خواندنی و برای اهالی ادبیات بسیار کاربردی است. سمیعی در مقدمه کتاب جملاتی دارد که اوج بویایی این استاد برجسته را در این سن و سال به نمایش می‌گذارد:

«اکنون که، به همت انتشارات هرمس، مجموعه مقالات به این قلم، اعم از ترجمه و گزارش و تألیف و تصنیف، ذیل چند عنوان چاپ می‌شود، کارهایی تازه در برنامه دارم که برخی از آنها نزدیک به پایان گرفتن است و برای برخی دیگر، موادی فراهم آمده یا طرحی تفصیلی تهیه شده‌است. در خود دکتّر ترجمه اثری است مهم در زیباشناسی که تنها برگرداندن پاره کوتاهی از آن باقی مانده‌است. نگارش تخصصی درباره روش تاریخ ادبیات‌نگاری نیز در برنامه آتی کار پژوهشی و نگارش این قلم‌پیش‌بینی شده‌است

که امیدوارم عمر، اجرای آن را کفاف دهد.»

اقتصادی‌نیا کتابی دیگر نیز درباره سمیعی گیلانی منتشر کرده‌است: کتابی مهم با عنوان «به دانش بزرگ و به همت بلند» که جشن‌نامه سمیعی گیلانی است و به اهتمام انتشارات هرمس منتشر شده‌است. این کتاب مشتمل بر چهار بخش است: بخش اول به راه زبان و ادب و فارسی است و بخش دوم، تحت عنوان درباره استاد، نوشته‌های شاگردان، همکاران و رفیقان ادبی اوست؛ بخش سوم، نگارش و ویرایش، به مذاقه در ترجمه‌ها و ویرایش او می‌پردازد و فصل پایانی گیلان‌شناسی نام دارد که به زادگاه محبوب سمیعی اختصاص دارد، از لحاظ ادبی و زبان‌شناختی. این کتاب اگرچه نویسندگان گوناگونی دارد اما همچون چراغی است که قوه روشنائی آن، همت مردی است که پرتوهای بلند دانش را می‌افروزد. ^[۲]

با اعلام رسمی روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران و پس از ۲ مرتبه تمدید

نمایشگاه مجازی

کتاب تمام شد



روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران دیروز در اطلاعیه‌ای خطاب به ناشران و بازدیدکنندگان اعلام کرد: ساعت و روز فعالیت نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران تا ساعت ۲۴ جمعه (۱۰ بهمن‌ماه) است و این زمان تمدید نخواهد شد.

نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران که از اول بهمن آغاز شده بود در نهایت دو بار تمدید شد و دیروز به فعالیت خود پایان داد. آخرین آماری که از این نمایشگاه تا این لحظه ذکر شده است، نشان از استقبال خوب علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی به این نمایشگاه دارد. به نقل از روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، تاکنون ۱۹۷ هزار و ۴۶۴ سفارش ثبت شده‌است که از کل سفارش ۱۰۷ هزار و ۵۸۹ سفارش ارسال و ۸۷۵ سفارش در انتظار ارسال است. همچنین ۵۱۷ هزار و ۶۷۳ بسته از سوی پست‌کتاب و ۲۶ هزار و ۷۷۰ بسته از سوی ناشر ارسال شده است.

مهدی باقری، عضو هیات مدیره و قائم‌مقام دفتر نشر فرهنگ اسلامی درباره این نمایشگاه بیان کرد: برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب تهران را به‌ویژه در دوره شیوع بیماری کرونا، یک اقدام مبارک و میمون می‌دانم. این کار اقدامی بسیار مهم و موثر بود که موجب پیوند و دوستی دوباره خانواده‌ها با کتاب و رونق چرخه نشر شد. متعقدم این اقدام شایسته، حتی پس از شیوع بیماری کرونا هم باید استمرار داشته باشد.

وی ادامه داد: تمهیدات و تدابیر برگزارکنندگان این رویداد، خیلی خوب و هوشمندانه بود. خانواده‌ها با چنین طرح‌هایی می‌توانند در خانه کتاب بخزند و کتاب بخوانند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هم مطمئناً پتانسیل‌ها و کارکردهای ویژه‌ای داشت اما نمایشگاه مجازی هم ایده‌ای فوق‌العاده بود که کمک‌کرد مردم در همه‌استان‌ها در نقاط دور و نزدیک، در امنیت و با هزینه‌های کمتر به‌راحتی به کتاب دسترسی داشته باشند. لادن حیدری، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره برگزاری نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران بیان کرد: در کنار همه بحران‌ها و سختی‌هایی که در کنار کرونا داشتیم و داریم، زندگی جاری است. بسیاری از ابعاد زندگی بشر با شرایط جدید انطباق، محدود یا تغییر پیدا کرده؛ بنابراین با توجه به این شرایط، اقدامات را باید تغییر، تعدیل یا انطباق داد و رویدادهای فرهنگی و هنری مانند نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ازجمله این اقدامات است.

وی با اشاره به جایگاه نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، افزود: نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با ابعاد بسیار گسترده با حضور و استقبال همیشگی مردم، ۳۲ دوره برگزار شد و برگزاری نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران برای مسؤولان و همچنین مردم، با تردیدهایی از نظر کیفیت همراه بود یا مقایسه‌ضمنی با نمایشگاه‌های فیزیکی در اذهان شکل گرفته بود. ^[۲]

